

دوسوی رفاه و توسعه^۱

مقایسه شاخصهای رفاه و توسعه قبل و بعد از انقلاب

حسن دادگر - مجید گودرزی *

رشد و توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی، یک موضوع پراهمیت ملی و فراملی است و آنقدر می توان در مورد آن حساسیت و جدیت به خرج داد که مهمترین موضوع معاصر تلقی شود! چرا؟ برای این که جمهوری اسلامی ایران یک مدل سیاسی و فرهنگی تازه به جهان معرفی نمود که مدعی است می تواند بر پایه اصلتهای انسانی سعادت دین و دنیای بشر را تا سرحد امکان محقق سازد. بنابراین همه می خواهند بدانند که آیا واقعا حقیقت دارد و انقلاب اسلامی می تواند در دنیای امروز حرف تازه ای برای جامعه داشته باشد؟ پیروزی یا شکست جمهوری اسلامی در تحقق یک توسعه پایدار و همه جانبه، هم برای دوستان انقلاب اسلامی و هم برای دشمنانش حیاتی است؛ چرا که می تواند به مفتوح یا بسته شدن این راه سوم بینجامد؛ راه سومی که ایرانیها برای خود باز کرده اند و معتقدند می توانند همه بشریت را در همراهی و پیمودن این راه امیدوار کنند. درست به همین خاطر است که جنگ، تحریم و تنش، مانند گردوغباری غلیظ نظام نوپای اسلامی را فراگرفت و هزاران حیل به کار رفت تا ایران با یک ایدئولوژی دینی به یک کشور توسعه یافته و قدرتمند تبدیل نشود؛ چرا که این الگو می توانست همه معادلات و مناسبات سنتی بین الملل را عوض کند و شعارهای مستضعفین علیه مستکبرین را جهانی سازد. خوشبینی بیهوده یا سیاهنمایی بی دلیل، هر دو می توانند در دور شدن ما از هدف اصلی انقلاب اسلامی سهم باشند و ما را در این کار بزرگی که شروع کرده ایم، دچار سستی، غرور و ناامیدی نمایند. بنابراین باید با اقدام به تحلیل های دقیق و آمار، وضع موجود را با گذشته و نیز با وضع مطلوب مقایسه کرد و این نکته را نیز در نظر داشت که توسعه انسانی و تعالی اخلاقی جامعه، برای انقلاب اسلامی و مردم ایران یک اصل مهم و کلیدی است و این مساله تاخیر در رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی را تا حدودی قابل تحمل می کند. به هر حال امروزه آمارهای وضعیت موجود ایران برای همه ایرانیان نویدبخش و برای جهانیان شگفت آور شده است. برای

آشنایی با این آمارها و به دست آوردن یک تحلیل واقع بینانه مقاله زیر می تواند راهنما و راهگشای خوبی باشد.



در خلال شوک نفتی اول، درآمدهای نفتی ایران به تبع افزایش قیمت نفت چهار برابر شد^۲. پس از این واقعه، سیاست گذاریهای کشوری به گونه ای اساسی تغییر کرد و برنامه های کلان توسعه بر اساس درآمدهای سرشار نفتی از نو بازنویسی شد. به طور طبیعی، این تغییرات دگرگونیهای بسیاری را در ابعاد مختلف جامعه بر جای گذاشت؛ چنان که به تبع افزایش سریع درآمدها و رشد لجام گسیخته هزینه های عمومی، عدم تعادلها نمایانتر گردید و سپس در نتیجه افزایش شکاف میان عرضه و تقاضا در کل جامعه فشارهای تورمی در سطحی گسترده جامعه را فراگرفت. از سوی دیگر دولت نیز با اعمال سیاست درهای باز، واردات را افزایش داد و از توجه به بخشهای کشاورزی و صنعت غفلت کرد.

دشواریها از زمانی آغاز شد که در اواخر سال ۱۳۵۵ درآمد نفت روبه کاهش نهاد و بر تمامی تصورات بلند پروازانه دولت ایران خط بطلان کشید. اما باین وجود، توقعات و تبعات ناشی از آن همچنان در سطح بالایی باقی ماند. بی توجهی به وضع معیشت روستائیان و غفلت از کشاورزی، به سیل

گسترده مهاجرت از روستا به شهر انجامید. همچنین نبود امکانات و عدم بستر سازی لازم، بیکاری و فساد را افزایش داد و به تبع آن، حاشیه نشینی، فقر و تبعیض شیوع پیدا کرد.^۳ دولت وقت، قبل و بعد از وقوع شوک نفتی اول در چارچوب تغییرات ساختاری اساسی، از کل هزینه های دولت هزینه های بهداشتی و عمومی را کم کرد و در عوض سهم هزینه های دفاعی و تسلیحاتی را تا حد بسیار زیادی افزایش داد. (جدول ۱)

این افزایش هزینه های دفاعی در حالی صورت می گرفت که ایران کشوری در حال توسعه بود و ضرورتا می بایست این منابع اقتصادی در راستای تولید صرف می شد؛ اما جالب آنکه در سال ۱۳۵۵، سقف هزینه های بخش دفاعی به رقمی بالغ بر پانصد و شصت و شش میلیارد ریال می رسید که چیزی در حدود سی درصد یا به عبارتی یک سوم کل هزینه های دولت را به خود اختصاص می داد.

این اقدامات دولت در شرایطی شکل می گرفت که جامعه ایران جهت کم کردن شکاف طبقاتی شدیداً به مساعدت دولت نیاز داشت اما دولتهای وقت کمترین توجه را به این مساله ابراز داشتند. علاوه بر این، در سال ۱۳۵۳ شاهد کمترین توجه از سوی دولت به امنیت داخلی هستیم. حال آنکه این مهم از پارامترهای اساسی در راستای

جدول ۱- سهم هزینه های بخشی از کل هزینه های دولت به درصد^۴

سال	سهم هزینه های دفاعی	سهم هزینه های بهداشتی	سهم هزینه های عمرانی شهری	سهم هزینه های نظام و امنیت داخلی
۱۳۵۱	۲۱/۹۰	۱/۱۰	۰/۷۹	۳/۵۰
۱۳۵۲	۲۵/۳۳	۱/۲۲	۰/۶۳	۳/۱۵
۱۳۵۳	۲۴/۶۵	۱/۱۳	۰/۶۱	۱/۸۸
۱۳۵۴	۲۶/۸۰	۱/۱۶	۰/۶۷	۲/۱۶
۱۳۵۵	۲۹/۶۱	۱/۰۹	۰/۷۲	۲/۶۳

جذب سرمایه و ایجاد بستر مناسب جهت رشد و توسعه به شمار می‌آید همچنین توجه به عمران شهری که از مولفه‌های عمده توسعه انسانی می‌باشد، طی سالهای مورد بررسی کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد و سهم هزینه‌های بهداشتی و خدمات بهداشتی نیز از یک روند روبه‌کاهش برخوردار است. در کل باید گفت، در دوران تغییرات بازار نفت، رژیم پهلوی بیشترین توجه را به امر سرمایه‌گذاری در بخشهای تسلیحاتی معطوف داشت اما توجه آن به بخشهای امنیت و نظام داخلی، عمران شهری، تامین اجتماعی و خدمات بهداشتی، از روندی یکنواخت و گاه نزولی برخوردار بوده است.

رشد جمعیت در دهه ۱۳۵۰ شمسی سه‌وودهم درصد بود. در حالی که رشد جمعیت شهری به‌واسطه مهاجرت‌های بی‌رویه از سی‌ونه درصد در سال ۱۳۴۵ به چهل‌وهفت درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. اما نکته مهم این است که سطح رشد تولید ناخالص داخلی، بیشتر از میزان رشد جمعیت بود؛ به‌عبارتی بر اثر ازدیاد تولید و قیمت نفت، این تولید ناخالص داخلی سریع‌تر رشد کرد. به‌تبع آن درآمد سرانه هر ایرانی - به‌عنوان شاخص موثر در توسعه اقتصادی و انسانی - حدود ده برابر شد؛ چنان‌که «درآمد سرانه به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۵۶، حدود دوهزار و صد و شصت دلار بود که البته بدون احتساب درآمدهای نفتی، این رقم نصف می‌شد»^۵. حال، سوال این است که آیا در اثر این درآمد سرشار، سطح رفاه عموم مردم نیز تغییر پیدا کرد و توزیع درآمد به‌طور عادلانه‌ای صورت گرفت؟ برای تبیین این مسأله، با بررسی آمار وضعیتی دهک‌های درآمدی و ضریب جینی، وضعیت مناطق شهری و روستایی به‌خوبی نمایان خواهد شد.

الف) بررسی تغییرات شاخصهای رفاه و توسعه انسانی قبل از انقلاب

بررسی وضعیت سهم درآمدی دهکها، ضریب جینی، نسبت دهک بالا به دهک پایین یا به‌عبارتی نسبت سهم دهک ثروتمندترین به سهم دهک فقیرترین (ضریب شکاف نسبی)، میزان سهم سی‌درصد و یا چیزی در حدود نصف جامعه از درآمد ملی و مقایسه آن با سهم تنها دهک بالای درآمدی و نیز مقایسه تغییرات در بین مناطق شهری و روستایی - همگی نه‌تنها وجود شکاف طبقاتی در دوره مورد بحث را تایید می‌کنند، بلکه هرچه به‌اواخر عمر رژیم نزدیک می‌شویم، شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه‌تر درآمدها به‌نحو چشمگیری افزایش یافته و سطح رفاه عمومی کاهش می‌یابد (جدول ۲) و این پیامدها، بدون شک جز بی‌برنامگی در توزیع و به‌کارگیری درآمدهای سرشار نفتی و با به‌عبارتی جز غلط بودن «سیاست‌های تمدن بزرگ» مسئولی نداشت.

چنانکه از جدول شماره ۲ برمی‌آید، نابرابری طبقاتی حاصل از توزیع نامناسب درآمد در طی سالهای مورد بحث کاملاً مشهود است؛ چنان‌که سهم درآمدی دهک‌های فقیر نسبت به ثروتمندترین دهک بسیار ناچیز است و این مسأله در سالهای پایانی عمر رژیم و به‌ویژه بعد از شوک نفتی اول، تشدید خاصی را نشان می‌دهد. مقدار شاخص ضریب جینی نیز که کاهش یا افزایش در سطح نابرابری را

نشان می‌دهد، حکایت از افزایش نابرابریها دارد. جالب‌اینکه پس از افزایش درآمد نفتی و درآمدهای سرانه میزان سهم تقریباً نصف جمعیت کشور از درآمد ملی کاهش یافت و از بیست درصد در سال ۱۳۴۷ به شانزده‌وشش‌دهم درصد در سال ۱۳۵۶ رسید، درحالی‌که تنها سهم دهک دهم (ثروتمندترین دهک جمعیتی) از ۳۷/۳۷ درصد در سال ۱۳۴۷، به ۴۱/۴۲ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت؛ یعنی این گروه ثروتمند در سال ۱۳۴۷ به‌تنهایی سهمی برابر با حدود هفتاد و سه درصد و در سال ۱۳۵۶، سهمی برابر با حدود هشتاد و پنج درصد از جمعیت کشور را در اختیار داشتند. البته این نابرابریها در مناطق شهری بیشتر مشهود بود و آمار موجود در جداول و مقدار ضریب جینی نیز این موضوع را تایید می‌کنند. درواقع طبقات مرفه و ثروتمند بیشترین بهره را از افزایش درآمدهای نفتی و سایر منابع مالی می‌بردند و میزان بسیار کمی از این درآمدها و منابع در اختیار طبقات فقیر و پایین قرار می‌گرفت. لذا به تناسب افزایش چشمگیر درآمدهای سرانه، طبقات ثروتمند روزبه‌روز ثروتمندتر می‌شدند حال آنکه وضعیت طبقات فقیر صرفاً در حدی بسیار اندک بهبود می‌یافت؛ زیرا گرچه سطح درآمد آنان نیز دو یا سه برابر شده بود، اما در قیاس با افزایش سطح تورم و نیز افزایش سطح درآمد قشر ثروتمند، این میزان به لحاظ ارزش تاثیرگذاری مثبت بر وضعیت زندگی آنها بسیار ناچیز بود و حتی به لحاظ شأن اجتماعی و احساس تناسب با دیگر قشرهای اجتماعی نوعی پس‌رفت در سطح زندگی‌شان رخ داده بود. درواقع طبقات کم‌درآمد به‌نظر آنگاه صرف سطح فزاینده مصرف از سوی طبقه ممتاز و مرفه تبدیل شده بودند و این امر بر گسترش نارضایتی در میان آنان می‌افزود: «ضریب کلی عدم برابری در توزیع هزینه‌های مصرفی در ایران در طی دهه قبل از انقلاب بسیار بالا بود و عدم تعادل در توزیع هزینه‌ها مرتباً افزایش می‌یافت. از جمله آثار عدم تعادل شدید در توزیع هزینه‌های مصرفی، وجود فقر گسترده و شدید در جوامع شهری و روستایی بود به‌طوری‌که در سال ۱۳۵۱ بیش از سیزده میلیون نفر از جمعیت کشور غذای کافی برای تامین سلامت خود در اختیار نداشتند و حدود شصت و هفت درصد از جمعیت شهری به فقر غذایی دچار بودند»^۶.

بررسی اجمالی

مولفه‌های موثر بر سطح توسعه انسانی

عامل دیگر تاثیرگذار بر سطح رفاه عمومی و توسعه انسانی در دوران قبل از انقلاب، تورم و رشد فزاینده نقدینگی بود. طی دهه ۱۳۵۰ بر اثر ازدیاد درآمدهای نفتی و قیمت‌های بالای کالاهای وارداتی، بر شتاب تورم افزوده شد چنانکه در طول سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ (دوره رونق درآمدها) تورم سالانه به رقمی در حدود بیست درصد بالغ گردید. حاصل تورم چیزی جز خنثی شدن افزایش دستمزدها، بالا رفتن قیمت مسکن و مواد غذایی مصرفی، سخت‌تر شدن زندگی طبقه‌های پایین درآمدی و کارگران مهاجرت‌های انبوه بیکاری و بسیاری مشکلات معیشتی دیگر نبود. مقاسد مالی رژیم نیز مزید بر علت شد و نهایتاً مصرف توأم با سوءاستفاده‌های کلان درآمدهای هنگفت

نفتی در مواردی نامربوط به سازندگی کشور و تحول در زیرساخت‌ها، در نهایت حکومت وقت را به‌گونه‌ای روزافزون از پشتوانه و حمایت مردمی بی‌نصیب ساخت.

مقاسد مالی دوران پهلوی دوم، به‌گونه‌ای گسترده خاتدان سلطنتی و سردمداران حکومتی و نیز دولتهایی را که بر سر کار می‌آمدند، کاملاً آلوده کرده بود. تا آنجا که تخلفات مالی زیر صد میلیون تومان را برای خود مباح می‌شمردند.^۸ دولتها همگی خود را مدعی و حامی مبارزه با مقاسد مالی و رشوه‌خواری معرفی می‌کردند، حال آنکه تنها در طول سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۲ (دوران شوک نفتی اول) میزان فساد مالی صورت گرفته حدود یک میلیارد دلار برآورد شده است.^۹ این مسائل و حقایق درواقع نشان می‌دهند که توزیع نامناسب درآمد و توسعه انسانی در سطح جامعه به‌عنوان پیامدهای طبیعی چنین وضعیتی حتمی بوده‌اند.

دیگر مولفه‌های موثر بر شاخص توسعه انسانی نیز در این دوره وضعیت چندان مناسبی نداشتند. درصد افراد مبتلا به سوءتغذیه در شهرها نسبت به روستاها بیشتر بوده است. ارقام و آمار بهداشتی، یک افزایش بسیار کند و آهسته را در زمینه تعداد تخت‌های بیمارستانی و در مانگاه‌ها، سرانه پزشک و پرستار نشان می‌دهند. در سال ۱۳۵۶، ایران هنوز هم در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک به بیمار و بالاترین نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و کمترین نسبت تخت بیمارستانی را به خود اختصاص داده بود. امید به زندگی که در سال ۱۳۴۱ چهار و یک سال بود، با کاهش اندک به پنجاه و یک سال در دهه ۱۳۵۰ رسید. همچنین نرخ بیسوادی که مطابق آمارهای رسمی در سال ۱۳۳۵ رقمی حدود هشتاد و پنج درصد را نشان می‌داد، با اندکی کاهش به شصت و پنج تا هفتاد درصد در سال ۱۳۵۶ رسید اما درعین حال تعداد بیسوادان از سیزده میلیون نفر در سال ۱۳۴۲ به پانزده میلیون نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت.^{۱۱}

جمع‌بندی

در دوره مورد بحث، بیش از دوسوم مردم ایران به تسهیلات بهداشتی دسترسی نداشتند، توزیع درآمد نامتعادل بود و میلیونها نفر در فقر به‌سر می‌بردند. جهت ارتقای سطح کشاورزی کشور توجه کافی صورت نمی‌گرفت، رشد جمعیت سه‌درصد بود اما هزینه‌های زندگی شش درصد افزایش یافت.^{۱۱} فساد مالی گسترده و نیز تبعیض و بی‌عدالتی حکمفرمایی می‌کرد، میزان مهاجرت از روستا به شهر رشد چشمگیری داشت، جامعه در اثر تورم و بیکاری (رکود تورمی) همه‌ساله فشار زیادی را متحمل می‌شد و لذا همه این مسائل باعث گردید کشور ما از یک شاخص توسعه انسانی پایین (معادل پنج درصد در سال ۱۳۵۹) برخوردار باشد. همین شاخص در سال ۱۳۴۹ معادل چهار درصد بوده است.^{۱۲}

ب) بررسی تغییرات شاخصهای

رفاه و توسعه انسانی پس از پیروزی انقلاب

در دوران پس از پیروزی انقلاب شاهد تحولات عظیمی بوده‌ایم که هر یک بر ساختار کلان اقتصاد ایران اثر شگرفی بجا گذاشته‌اند.

دولت در سالهای اولیه پس از انقلاب و در طول جنگ

توانست در زمینه کنترل مصرف و به‌ویژه کمک به تامین حداقلهای مصرفی قشرهای وسیع مردم از طریق عرضه نسبتاً ارزان و یارانه‌ای برخی کالاهای اساسی و ایجاد نظم نسبی در زمینه توزیع کالاهای بادوام خانگی، تلاشهای خوبی انجام دهد. دولت طی این سالها با ایجاد محدودیتهای اساسی در عرضه پارهای از کالاهای مصرفی اقسار ثروتمند، الگوی مصرفی این گروه را ناعدی کنترل کرد. در این دوره نوسانات قیمت نفت و توقعات بالای گروههای مصرفی مشکل اصلی فراروی سیاستهای یارانه‌ای دولت بود. با وجود این موانع و مشکلات، اقتصاد کشور به پشتوانه صادرات نفت و درآمد حاصل از آن توانست از بروز کمبودهای غیرقابل تحمل، تورم عنان‌گسیخته، ازدیاد دیون خارجی و شیوع فقر و فساد و تبعیض جلوگیری کند؛ چنانکه حتی در لوج درگیری جنگ، غذا و سایر مایحتاج اولیه زندگی در حد قابل قبولی یافت می‌شد و هیچگاه در کشور قحطی روی نداد.

دولت علیرغم هزینه سنگین جنگ، با توسل به کمکها و پشتیبانی مردمی از توسل زیاد به استقراض خارجی احتراز کرد و حتی مقداری از بدهی گذشته خود را بازپرداخت نمود. جهت گیری هزینه دولت به‌ویژه پس از جنگ به سمت توسعه بهداشتی و عمران شهری بود و سعی شد از هزینه‌های دفاعی و تسلیحاتی کاسته شود. همچنین به دلیل برخورداري جامعه از محیطی امن، هزینه‌های نظم و امنیت داخلی نیز کاهش یافت. این روند همچنان در حال پیگیری است و می‌توان گفت این وضعیت بهبود در شاخصهای توسعه انسانی را نوید می‌دهد.

بررسی مولفه‌های موثر بر توزیع درآمد نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۸ نامتعادلتین وضعیت در کشور حاکم بوده اما از سال ۱۳۵۸ به بعد توزیع درآمد متعادلتر گردیده و دهکهای درآمدی پایین سهم بیشتری از درآمد ملی را به خود اختصاص داده‌اند. در طول دوران جنگ تحمیلی به دلیل وضعیت بحرانی خاصی که بر کشور حاکم بود و نیز به دلیل بالا بودن میزان استقراض دولت از بانک و نقدینگی زیاد، شکاف طبقاتی روبه‌رشدی در جامعه رخ داد اما این روند تا پایان جنگ تعدیل شد و پس از آن جامعه به سمت توزیع یکنواخت درآمدها در حرکت بوده است.

البته از این واقعیت غافل نباید بود که جوانی جمعیت ضمن اینکه نسبت جمعیت بالقوه فعال را رو به تحلیل می‌برد، در همان حال با دامن زدن به نیازهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن مناسب، آموزش و بهداشت و درمان، موجب محرومیتها و کمبودهایی در میان خانوارها می‌شود.

پس از انقلاب، شاخصهای ضریب جینی، ضریب شکاف نسبی و سهم پنجاه درصد جمعیت از درآمد ملی، روند روبه‌بهبودی را در توزیع درآمد نشان می‌دهد. ضمناً سهم دهکهای پایین ملی در سالهای اخیر بیشتر شده و در مقابل، سهم دهکهای بالاتر کمتر شده است. این وضعیت نشان می‌دهد طی سالهای اخیر به واسطه اقدامات توزیعی، حمایتی و گسترش خدمات عمومی، توزیع درآمدها متعادلتر شده و از شکاف طبقاتی و درآمدی کاسته شده است.

در بررسی مولفه‌های موثر بر شاخصهای توسعه انسانی،

باید گفت هم‌اکنون کشور ما از زمره کشورهای با توسعه پایین خارج شده و به گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط صعود کرده است؛^{۱۳} «افزایش درآمد سرانه و تداوم هزینه‌های اجتماعی در بخشهای آموزش و بهداشت، مهمترین عوامل توسعه انسانی بالاتر بوده‌اند و لذا براساس نتایج به‌دست آمده از آخرین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ میلادی، شاخص توسعه انسانی ایران نزدیک به

هشت‌دهم بوده و در زمره کشورهایی است که فاصله کمی با شاخص توسعه انسانی بالا دارد.»^{۱۴} اگر در زمینه رشد درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی تلاش بیشتری صورت گیرد، قطعاً کشور ما در میان کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا قرار خواهد گرفت

از جمله عواملی که بر شاخص توسعه انسانی تاثیرگذار بوده و روند روبه‌بهبودی در دوران پس از پیروزی انقلاب

جدول ۲ — وضعیت شاخصهای موثر بر سطح رفاه عمومی قبل از انقلاب^{۱۵}

شرح	سال	۱۳۴۷	۱۳۵۱	۱۳۵۶
سهم دهک اول از درآمد ملی به درصد		۱/۳۱	۲	۱/۲۹
سهم دهک دوم		۳/۳۲	۳/۲۲	۲/۴۶
سهم دهک سوم		۴/۴۱	۴/۱۶	۳/۲۵
سهم دهک چهارم		۴/۹۹	۵/۰۹	۴/۲۸
سهم دهک پنجم		۵/۹۷	۶/۱۵	۵/۳۲
سهم دهک ششم		۷/۲۷	۷/۴۴	۶/۶۲
سهم دهک هفتم		۸/۸۶	۹/۱۶	۸/۳۶
سهم دهک هشتم		۱۱/۱۲	۱۱/۶۷	۱۱/۰۱
سهم دهک نهم		۱۵/۳۷	۱۶/۱۶	۱۵/۸۸
سهم دهک دهم (ثروتمندترین)		۳۷/۳۷	۳۴/۹۵	۴۶/۴۲
نسبت دهک بالا به دهک پایین (ضریب شکاف نسبی)	در کل جامعه	۲۸/۵۴	۱۷/۵۰	۳۲/۱۶
	در مناطق شهری	۲۲/۵۲	۱۶/۲۴	۳۲/۳۲
	در مناطق روستایی	۳۱/۹۹	۱۲/۰۸	۱۹/۹۱
ضریب جینی (به درصد)	در کل جامعه	۰/۴۴۷	۰/۴۴۵	۰/۵۱۴
	در مناطق شهری	۰/۴۶۰	۰/۴۲۴	۰/۴۹۹
	در مناطق روستایی	۰/۳۷۳	۰/۳۶۷	۰/۴۳۹
سهم نیمی از جمعیت کشور از درآمد ملی (به درصد)	در کل جامعه	۲۰	۲۰/۶۲	۱۶/۶

داشته‌اند، می‌توان موارد زیر را برشمرد: امید به زندگی از حدود شصت و یک سال در سال ۱۳۴۷ به شصت و نه و نیم در سال ۱۳۷۶ و به حدود هفتاد و چهار سال در سال ۱۳۸۰ رسید؛ نرخ باسواد بزرگسالان از پنجاه و هفت درصد به هشتاد و چهار و نیم درصد طی دوره ۱۳۴۷-۷۶ و به حدود هشتاد و یک درصد در سال ۱۳۸۰ صعود کرد؛ درآمد سرانه از میزان سه هزار و هفتصد و پانزده دلار در سال ۱۳۴۷ به بیش از پنج هزار و دو سیست دلار در سال ۱۳۷۶ و به بالای شش هزار دلار در سال ۱۳۸۰ رسید؛ شاخص فقر انسانی از سی و یک درصد جمعیت در سال ۱۳۴۷ به هیجده درصد در سال ۱۳۷۶ و به شانزده درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافت که در این میان نقش نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) بسیار برجسته و حائز اهمیت می‌باشد. میزان جمعیتی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند، از حدود چهارده درصد به پنج و نیم درصد جمعیت ملی در دوره ۱۳۴۷-۱۳۷۶ کاهش یافت؛ درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی نداشتند، از بیست و دو درصد به شش درصد طی دوره فوق‌الذکر کاهش پیدا کرد و در سالهای اخیر در اثر سیاستهای ایجاد و گسترش شبکه‌های بهداشتی در سطح کشور صد درصد جمعیت شهری و حدود هشتاد و پنج درصد جمعیت روستایی به مراقبتهای بهداشتی اولیه دسترسی پیدا کرده‌اند؛ عرضه سرانه - روزانه انرژی از دو هزار و شصت و شش کالری به سه هزار و چهارصد کالری در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت؛ مرگ‌ومیر نوزادان به نصف تقلیل پیدا کرد؛ تعداد دانشجویان و میزان مشارکت زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت؛ در زمینه تخته‌های بیمارستانی، درمانگاهها، پزشک و پرستار رشد بسیار بالایی رخ داد؛ تعداد و درصد افراد دچار سوءتغذیه کاهش چشمگیری یافت؛ و...^{۱۵} هرچند در برخی سالها، به دلیل محدودیتهای اقتصادی تحمیلی، کسری بودجه، تورم فزاینده و بیکاری رخ نمود، اما روند شاخصهای اقتصادی طی سالهای اخیر - به‌ویژه در طول برنامه سوم - افق روشنی را پیش روی کشور گشوده است؛ چنانکه تورم و بیکاری با اتخاذ سیاستهای اشتغال‌زایی و کنترل قیمت‌ها و نیز آزادسازی منطقی و کوچک کردن حجم دولت، کنترل شده و روند نزولی دارد.

ج) مقایسه سطح رفاه

و توسعه انسانی قبل و بعد از انقلاب

بررسی آمار و شواهد به‌گونه‌ای کاملا مشهود نشان می‌دهد که پس از انقلاب به مرور سهم هزینه‌های دفاعی کم شده و توجهات به سمت هزینه‌های بهداشتی و عمران شهری جلب شده است.

دولتهای حاکم و خاندان پهلوی در سالهای قبل از پیروزی انقلاب، تنها به فکر خرید تسلیحات مدرن بودند و با وجود درآمدهای نفتی سرشار، به بهداشت و رفاه عموم مردم هیچ توجهی نداشتند، اما پس از انقلاب توسعه بهداشتی و رفاه عمومی در سرنوشت هدفگذارهای دولت و حکومت اسلامی ایران قرار گرفت.

در زمینه توزیع درآمد، ذکر این نکته لازم است که سهمی شاخصها و مولفه‌های موثر بر ارتقاء سطح رفاه، از شد و روند صعودی در سالهای پس از پیروزی انقلاب

حکایت دارند. در واقع از سال ۱۳۵۷ به این سو، همواره توزیع درآمد عادلانه‌تر شده و شکاف طبقاتی کمتر می‌شود؛ البته طبعاً این رشد گاه کند می‌شود. شاخصهای توزیع درآمد، ضریب جینی و ضریب شکاف نسبی و مولفه‌های موثر بر سطح رفاه عمومی و توسعه انسانی طی سالهای جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه روند روبه‌بهبودی داشته‌اند و در مقایسه با قبل از انقلاب (چه قبل و چه بعد از وقوع شوک نفتی در سال ۱۳۵۲) وضعیت بهتری دارند.

دهکهای پایین درآمدی طی سالهای پس از انقلاب (چه قبل از پایان جنگ و چه بعد از آن)، سهم بیشتری از درآمد ملی را به خود اختصاص دادند. ضریب جینی نیز در کل جامعه و هم در مناطق شهری و روستایی، در سالهای پس از پیروزی انقلاب، نسبت به قبل از آن، کاهش یافته و نشان از توزیع بهتر درآمد دارد. این ضریب از پانصد و چهارده درصد در سال ۱۳۵۶ به چهل و چهار درصد در سال ۱۳۶۸ و به چهل و دو درصد در سال ۱۳۸۰ رسید. سهم دهم نیز از حدود چهل و یک و نیم درصد در سال ۱۳۵۶ تقریباً به سی و یک و نیم درصد و به کمتر از سی و یک درصد در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ کاهش یافت که نشان از توجه به اقشار آسیب‌پذیر و حمایت از فقرا دارد. ضریب شکاف نسبی هم روندی نزولی دارد. به‌طوری‌که این ضریب که در سال ۱۳۵۶، بیش از سی و دو درصد بود، در سال ۱۳۸۰ به حدود نوزده درصد تنزل کرد. پنجاه درصد جمعیت کشور در سال ۱۳۵۶ سهمی معادل شانزده و شش دهم درصد از درآمد ملی را به خود اختصاص داده بودند که این سهم به بیش از بیست و یک و نیم درصد در سال ۱۳۷۸ و به حدود بیست و دو و نیم درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافت. (جدول ۳)

سهم دهکهای درآمدی آخر (ثروتمندترین گروه) از درآمد ملی، در سال ۱۳۵۶ معادل سهمی بود که حدود هشتاد و پنج درصد جمعیت به خود اختصاص می‌دادند. این سهم در سال ۱۳۶۸ معادل سهم شصت و سه درصد جمعیت و در سال ۱۳۸۰ معادل سهم شصت درصد جمعیت می‌باشد؛ به عبارتی سهم دهم دهک کاهش یافته و دهکهای پایین سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. خلاصه‌ای که پس از انقلاب در کل توزیع درآمد متعادلتر شده است.

توسعه انسانی که حاصل پیشرفت در مولفه‌های مختلفی می‌باشد نیز در کشور ما رشد بسیار خوبی داشته است. این شاخص از چهل درصد در سال ۱۳۴۹ به حدود چهل و پنج درصد در سال ۱۳۵۶ رسید. باین همه هنوز در زمره کشورهای با توسعه انسانی پایین محسوب می‌شدیم، اما این رقم بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۱ به شصت و چهار درصد و در سال ۱۳۷۸ به هفتاد و شش درصد و در سال ۱۳۸۰ به حدود هشتاد درصد صعود کرده است؛ بدین معنا که هم‌اینک کشور ما از لحاظ توسعه انسانی فاصله‌ای با کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته ندارد. این در حالی است که میزان جمعیت ما در سال ۱۳۵۶ حدود سی و سه میلیون نفر بود و در سالهای اخیر این جمعیت دو برابر شده است؛ چنانکه هم‌اکنون بیش از نیمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند و به‌طور طبیعی برآورده کردن خواسته‌های آنان نیز دشواریهای خاص خود را به همراه دارد.

ضریب کلی عدم برابری در توزیع هزینه‌های مصرفی در ایران در طی دهه قبل از انقلاب بسیار بالا بود و عدم تعادل در توزیع هزینه‌ها مرتباً افزایش می‌یافت.

از جمله آثار عدم تعادل شدید در توزیع هزینه‌های مصرفی، وجود فقر گسترده و شدید در جوامع شهری و روستایی بود به طوری که در سال ۱۳۵۱ بیش از سیزده میلیون نفر از جمعیت کشور غذای کافی برای تامین سلامت خود در اختیار نداشتند و حدود شصت و هفت درصد از جمعیت شهری به فقر غذایی دچار بودند

هم‌اینک کشور ما از لحاظ توسعه انسانی فاصله‌ای با کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته ندارد.

این در حالی است که میزان جمعیت ما در سال ۱۳۵۶ حدود سی و سه میلیون نفر بود و در سالهای اخیر این جمعیت دو برابر شده است. در زمینه توسعه انسانی و ارتقاء سطح رفاه عمومی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاخصها همگی موید حرکت در مسیر رشد هستند

نرخ رشد جمعیت از سه و دودهم درصد در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۵۵ به حدود یک و سه دهم درصد در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ کاهش یافته است. نماگر امید به زندگی رشد بسیار خوبی را نشان می‌دهد و از حدود پنجاه و یک سال در دهه ۱۳۵۰ به بالای هفتاد سال در دهه ۱۳۷۰ رسیده است که حاکی از کاهش مرگ و میر نوزادان و مادران سلامت تولدها و رعایت اصول بهداشتی و توسعه خدمات اجتماعی می‌باشد. در تمامی روستاها و یا لاقال در اکثر روستاهای کشور، خدمات بهداشتی - رفاهی و آموزشی حتی الامکان فراهم شده و ارائه می‌شود؛ به طوری که نرخ باسواد بزرگسالان که در سال ۱۳۵۶ حدود چهل درصد بود، در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ به هفتاد و چهار درصد و حدود هشتاد درصد افزایش یافت. به عبارتی، در سالهای پایانی عمر رژیم پهلوی کمتر از نیمی از جمعیت لازم‌التعلیم تحت پوشش آموزشهای لازم بودند، اما به واسطه اهتمام خاص نظام جمهوری اسلامی ایران به امر آموزش عمومی، میزان سواد و آموزش عموم مردم رشد چشمگیری پیدا کرد. پس از انقلاب و به‌ویژه طی برنامه‌های کلان توسعه فضای قابلیت‌زایی برای افزایش تسهیلات آموزشی در سطح ملی فراهم آمد و جالب‌ترین نکته سطح آموزش زنان و بخش روستایی بیشتر از مردان و بخش شهری رشد داشته است.

همچنین اقدامات چشمگیری برای برق‌رسانی به روستاها صورت گرفته است. تعداد روستاهای برق‌دار شده تا سال ۱۳۵۷ تنها ۴۳۲۷ روستا بودند اما این تعداد در سال ۱۳۷۴ به ۳۲۲۲۸ روستا بالغ شد که یک رشد هفتصد و هفتاد درصدی را نشان می‌دهد؛ به عبارتی در این مدت در هر روز، به‌طور متوسط به پنج روستای کشور برق‌رسانی شده است. تا پایان سال ۱۳۵۷ تنها چهار هزار و هشتصد خانه بهداشت و مرکز بهداشتی - درمانی در کشور وجود داشت که این میزان در سال ۱۳۷۴ به چهارده هزار و ششصد واحد افزایش یافت، یعنی در هر روز دو خانه بهداشت در کشور احداث شده است؛ چنانکه هم‌اینک صد درصد جمعیت شهری و هشتاد و پنج درصد جمعیت روستایی به مراقبتهای اولیه بهداشتی دسترسی دارند. در حالی که در پایان عمر رژیم پهلوی، دوسوم مردم به تحصیلات بهداشتی دسترسی نداشتند.^{۱۷}

نتیجه

در سالهای بعد از پیروزی انقلاب - نسبت به قبل از آن - تلاشهای بسیاری در زمینه توسعه انسانی و ارتقاء سطح رفاه عمومی صورت گرفته و شاخصها همگی موید حرکت در مسیر رشد هستند. البته طی سالهای بعد از انقلاب به

جدول ۳ - وضعیت شاخصهای درآمدی و نابرابری در مقاطع قبل و بعد از انقلاب^{۱۶}

سال	شرح	
	اول	سهم دهکهای مختلف از درآمد ملی به درصد
۱۳۸۰	۱/۸۵	۲۲/۳
۱۳۷۸	۱/۶۲	۲۲/۰
۱۳۶۸	۱/۳۸	۳
۱۳۵۶	۱/۲۹	۲/۴۶
سال	دوم	۲/۲۵
	سوم	۳/۲۸
	چهارم	۵/۳۲
	پنجم	۸/۳۶
	ششم	۱۱/۰۱
	هفتم	۱۵/۸۸
	هشتم	۴۱/۴۳
	نهم	۳۲/۱۶
	دهم	۳۳/۳۳
	کل	۱۹/۹۱
	نسبت دهک بالا به دهک پایین (ضریب شکاف نسبی)	۱۹/۴۰
	مناطق شهری	۱۴/۳
	مناطق روستایی	۲۰/۳
	کل	۰/۴۲
	مناطق شهری	۰/۴۰
	مناطق روستایی	۰/۴۳
	کل	۰/۴۲
	مناطق شهری	۰/۴۲
	مناطق روستایی	۰/۴۳
	سهم نیمی از جمعیت کشور از درآمد ملی (به درصد)	۲۲/۵۳
	سهم دهک دوم و درآمد ملی (مساکن سهم چند درصد از جمعیت کشور می‌باشد؟)	۲۲/۵۳

پی‌نوشت‌ها

* فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد اقتصاد.

۱. مقاله حاضر باندکی تلخیص از کتاب «مقایسه اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب» برگرفته شده که به سفارش کلون اندیشه جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام شده است.
۲. علیرضا امینی، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲-۳.
۳. رک: نیکی آرکدی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی، ترجمه: حسینعلی نوری، ایران فردا، شماره ۱۲، ص ۶-۶۰.
۴. طاهر شه حلد، هزینه‌های دولت در جامعه مدنی، تازه‌های اقتصاد شماره ۷۷، ص ۱۵.
۵. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص ۴۷۱، ۴۷۲.
۶. گزارشات مختلف شاخصهای نابرابری توزیع درآمد، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف.
۷. حسین عظیمی، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ص ۱۴۰، جالب این‌که به چنین مطالبی دربار وضعیت نامتعادل عموم مردم، صاحب‌نظران و نویسندگان خارجی نیز اشاره کرده‌اند: «بخش وسیعی فقیرند، دچار سوء‌تغذیه‌اند، زنده‌پوش درمانده‌اند». رک: نیکی آرکدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گولاهی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صص ۲۰۲؛ همچنین: جان فوران، همان، صص ۳۵۸، ۳۵۹.
۸. رک: حسن دادگر، «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران»، ماهنامه زمانه سال دوم، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۲، صص ۱۴-۱۵.
۹. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: کاظم فیروزمندی دیگران، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۴۱۱.
۱۰. رک: جان فوران، همان، صص ۴۹۲، ۴۹۳.
۱۱. علیرضا امینی، همان، ص ۲۵۴.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۴۳.
۱۳. همان.
۱۴. همو، هفته‌نامه برنامه شماره دوازدهم، ۲۸ دی‌ماه ۱۳۸۱، صص ۲-۳، ضمیمه.
۱۵. رک: همو، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، صص ۲۲۹، ۲۳۷، ۲۲۵.
۱۶. مرکز آمار ایران، آمار بودجه خانوار، سالهای مختلف.
۱۷. برای بررسی‌های بیشتر، رک: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شبکه‌سازندگی، بهمن ۱۳۷۴، صص ۱۸ و ۲۴ و ۴۳؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، صص ۲۲، ۲۲۹ و ۲۲۶، جان فوران، همان، ص ۲۵۴.